

نظارت مردمی بر رسانه های عمومی

<?xml encoding="UTF-8?">

واقعیت عصر ارتباطات و دستاورد دانش های جامعه شناسی، روانشناسی و علوم ارتباطات، گویای تأثیرگذاری بلامنازع دستگاه های رسانه ای بر فرهنگ، باورها و رفتارهای مردم است. این تأثیرگذاری در هر دو بعد فرهنگ سازی و فرهنگ سوزی از گستره ای محدود (مانند الگودهی به رفتارهای ظاهری و ...) تا عمق بینش ها و اعتقادات را شامل می شود. از این رو، این حق و وظیفه تمام اقشار جامعه خصوصاً علما و نخبگان است تا در نظارت دایمی نسبت به «رسانه های عمومی» شرکت نموده و این دستگاه های مؤثر در فرهنگ سازی را کنترل کنند.

توهم یا واقعیت

گروهی در سطح جهانی، علما، نخبگان و اساتید متدین را بی خبر از دنیای مدرن و عصر ارتباطات و لوازم آن می پندارند و احساس می کنند که باید ذائقه اسلامی یک نسل را دستکاری کنند تا فضای جامعه اسلامی، به اصطلاح خودشان کمی متعادل تر و برای ملل دیگر قابل تحمل تر شود. آنها می خواهند که تعاملات برخاسته از دین در تمام عرصه های اجتماعی مانند: ارتباط محرم و نامحرم، ورزش بانوان، ازدواج دائم و موقت، تعدد زوجات، غیرت دینی، نامگذاری ها، حجاب، فرهنگ شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، وفاداری به خانواده، بیگانگی مذهبی، خودباختگی فرهنگی، تسامح فرهنگی و مذهبی و ... را تغییر داده و سامانی نو دهند. و آن گاه به یاری دستاوردهای علمی، به قدرت های رسانه ای به صورت نانوشته توصیه می کنند که برای ساکت کردن نخبگان متحجر! و عالمان غوغا پیشه! برنامه های دراز مدت تغییر ذائقه فرهنگی، تعدیل غیرت دینی و عادی سازی تدریجی گناه و ناهنجاری را طراحی و اجرا کنند تا نخبگان و علما به تدریج در مقابل کارهای انجام شده قرار گیرند. همچنین می خواهند که با خاموش کردن شعله حساسیت دینی و غیرت مذهبی مؤمنان، به گونه ای غیر محسوس خواست فرهنگی و مذهبی جامعه را عوض کنند تا بدین ترتیب، ابزار هنر در خدمت استحاله فرهنگ اسلامی درآید. درست مثل تغییر تدریجی خواست مردم در برابر لباس و غذای غربی!

آنچه را گفتیم، می تواند تنها یک تصور بدانید و نگارنده را به داشتن «توهم توطئه» متهم سازید و یا برعکس، آن را یک واقعیت فرهنگی متأثر از خودباختگی بدانید. در هر حال، بهتر است برای لحظه ای از تخیلات خویش بیرون آمده و به جامعه کنونی خود نگاهی بیاندازیم. حقیقت این است که در جامعه ای که روزی نمایش کوچک ترین صحنه های معاشرت و ارتباط مشکوک در رسانه ملی، خروش سینمای متعهد و تئاتر اصیل و نیز عالمان، نخبگان و متدینان را بر می انگیزد، اکنون آگاهانه یا ناآگاهانه حداقل های شرعی هم در سینما و سیمای آن کمتر رعایت می شود.

استفاده از جذابیت های جنسی در فیلم ها

باید پذیرفت که در کنار تزریق مستقیم فرهنگ غربی در قالب فیلم های کاملاً حرفه ای خارجی، که کمتر تحقیق و پایان نامه ای برای بررسی اثرات آن در نظام رفتاری جوانان صورت پذیرفته است، فیلم سازهای داخلی هم گاه با افتخار به تقلید همان راه را دنبال می کنند.

به نظر می رسد که به رغم انبوهی فعالیت های هنری دینی رسانه ملی، تصوّر ساخته شدن یک فیلم بدون گنجاندن جذابیت های جنسی، از نظر گروهی همچنان اندیشه ای ابتدایی به نظر می رسد.

امروزه برخی فیلم ها و برنامه ها می خواهند ذائقه جوانان و متدینان را چنان تغییر دهند که برنامه های بدون جذابیت جنسی از نظر مخاطب در انزوا قرار گیرد و به تدریج به حاشیه رانده شود.

این یک واقعیت ملموس است که سیاست گذاران هنر، دست کم در مورد بازیگران و آهنگسازان، یک سیاست سکولار را اعمال می کنند.

تاریخ نگاران معاصر معتقدند: کاری که پهلوی دوم در سایه جنگ نرم با فرهنگ و هویت دینی کرد، رضاخان با سرنیزه نتوانست انجام دهد. محمدرضا پهلوی با این ابزار کهنه، کاری کرد که برخی از زنان خود خواستند «حجاب» را به فراموشی بسپارند.

نظارت ناکارآمد

در عصر مدرنیته، شاید بتوان دست های زیادی را نشان داد که نقش گسترده ای در تخریب فرهنگی و دینی ما داشته باشند؛ زیرا تمام جوامع امروزی در برابر هر نوع دخالت بیگانه، حساسیت نشان می دهند و آن را رد می کنند. هولناک ترین اتفاق در عرصه فرهنگی، سپردن این نقش به رسانه ها و دستگاه های فرهنگی ملی است که برخی از آنها با پیش زمینه خودباختگی مذهبی و فرهنگی، نمی توانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

به این صورت، سیما و سینما هم به رغم خدمات مذهبی فراوان، در سایه برخی کج سلیقگی ها و سوء استفاده های فرهنگی و مادی گرایانه، عرصه حضور فیلمسازان و تهیه کنندگانی می شود که از آبروی نظام اسلامی، برای ساخت فیلم های ضد دینی و سکولار استفاده می کنند و گاه رشته های انقلاب را پنبه می کنند و دروازه های اندلس جدید اسلامی را به روی فاتحان مغرور غربی می گشایند.

به راستی اگر روزی سیما و سینمای ما، به هر بهانه ای از جمله رقابت با شبکه های ماهواره ای، خروج از حداقل های شرعی را توجیه کنند و به ارتجاع از مذهب و غیرت دینی گرایش یابند، چه سازوکاری می تواند آنها را به راه مذهب بازگرداند؟ روشن است که انتظار از دستگاه های نظارتی موجود (برون سازمانی یا درون سازمانی) مانند شوراهای نظارت و ... انتظاری خیالی و واهی است؛ زیرا آنان هرگز، کارنامه موافقی از خود ارائه نداده اند. آیا بهترین دلیل ناکارآمدی نظارت های فعلی، برخی از خروجی های فعلی سینما و تلویزیون نیست؟

جایگاه نظارت مردمی

رسول اکرم (ص) برای رویارویی با ارتجاع مردم به سنت های عصر جاهلی و نیز بقای ارزش های اسلامی، به اذن الهی نظام امر به معروف و نهی از منکر را طراحی کرد تا از بروز هر گونه پس رفت فرهنگی و مذهبی جلوگیری شود. اساساً همین عامل موجب تثبیت و بقای ارزش های دینی تا کنون شده است و گر نه، دشمنان در هر عصر به فراخور امکانات تبلیغی و فرهنگی در محو فرهنگ دینی کوشیده اند و این نظام امر به معروف مردمی و ملی

بوده است که موجب بازیابی هویت دینی شده است.

اما بعد مهمی از امر به معروف و نهی از منکر، مربوط به «امر به معروف و نهی از منکر ملت به دولت» است. سؤال اینجاست که در نظام جمهوری اسلامی، جایگاه این بخش از امر به معروف و نهی از منکر، کجاست و چه ساز و کارهایی برای اجرایی شدن آن پیش بینی شده است؟ واقعیت این است که این اصل از قانون اساسی، تا کنون تبیین و تفسیر نشده و جایگاه اجرایی دقیقی برای آن اتخاذ نگردیده است و اساساً همین مسئله، موجب ورود ضربه های هولناک بر پیکره فرهنگی و مذهبی نظام اسلامی شده و خواهد شد.

به بیان دیگر، همان گونه که «شورای نگهبان» خارج از مجموعه مجلس، امر و نهی دینی را در مرحله قانون گذاری تشخیص می دهد و اعمال می کند و مانع هر گونه خلاف شرع در تصویب قوانین می شود، در مرحله اجرا هم باید گروهی غیر وابسته به «دولت های زودگذر» وجود داشته باشد تا بتواند خلاف شرع مجریان فرهنگی و هنری را تذکر داده، افشا کند و به دستگاه های قضایی شکایت برد و مسئولان را به محاکمه بکشد. روشن است که چنین نهادی باید خارج از تمام نهادهای دولتی و حکومتی باشد تا بتواند به عنوان نظارت دهی بر دولت تلقی شود و گامی مؤثر برای احیا و تثبیت ارزش ها باشد. امروزه جای خالی چنین نهاد فرا دولتی ای دست کم در مورد سینما، سیما و مطبوعات به خوبی احساس می شود. نهادهای نظارتی دولتی و درون رسانه ای به دلیل امکان تأثیرپذیری از دولت ها و لحاظ کردن سیاست ها و مصلحت های سازمانی، گاهی توان کافی برای ایفای چنین نقشی را ندارند و محتاج مکمل های نظارتی اند؛ لذا گاهی دچار نادیده انگاری، توجیه یا کتمان منکرات می شوند یا با «آمارسازی های سازمان خواسته» ادعای خلاف واقع می کنند.

تنها نهادی می تواند وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بدون تأثیرپذیری به عهده بگیرد که به معنای واقعی کلمه مستقل و مؤید به قدرتی ثابت باشد و بقای خود را در بقای ارزش های ناب اسلامی ببیند؛ یعنی «مردم مسلمان».

یکی از راهکارهای اساسی برای امر به معروف و نهی از منکر همگانی و نیز نظارت همه جانبه بر سینما، صدا و سیما، تئاتر و حتی تمام دستگاه های فرهنگی، تشکیل نهادهای غیر دولتی و سازمان های تخصصی مردمی است تا بتوانند در سایه تخصص فرهنگی و رسانه ای، انگیزه متعهدانه خود را به صحنه اجرا و دفاع از ارزش ها بیاورند.

نقد مؤثر و دلسوزانه امت اسلامی

اگر سازمان های تخصصی غیر دولتی برای نظارت بر سینما و سیما شکل بگیرد و حمایت های قضایی و حقوقی از طریق تصویب قوانین دقیق برای احیای «امر به معروف و نهی از منکر مردم به دولت» از سوی دولت و مجلس انجام گیرد، اعتراض های سازنده ای علیه انحراف و فرهنگ سوزی صورت می پذیرد. چنین سازمان هایی با حمایت قانون و از طریق شکایت به مراجع ذی صلاح و ... امکان دستیابی به رسانه ای پاک تر را در آینده نوید خواهند داد. سازمان هایی که بر اعمال و رفتار و عوامل بخش های مختلف رسانه ها نظارت دقیق داشته و صلاحیت آنها را منوط به التزام دینی شان بدانند.

مسلماً تصور اینکه افرادی متدین در قالب سازمان های غیر دولتی، ناظر بر عملکرد مذهبی و فرهنگی سیما و سینما هستند، عامل مهمی در اسلامی سازی واقعی این دانشگاه بزرگ خواهد بود؛ اما اگر سیما و سینما در معرض «نقد موثر امت اسلامی» قرار نگیرد، چه بسا خسارت های معنوی آن در سال های آینده به مراتب بیشتر از خسارت های اندکی باشد که امروزه گریبان خانواده های متدین را گرفته است. به یقین، اگر امروز اعتراض ها

به «نادیده گرفتن موردی حداقل های شرعی» است، در فردایی نه چندان دور، تلاش دلسوزان بر «بقای حداقل های ظواهر اسلامی» خواهد بود.

تشکیل نهادهای مدنی و دینی

روشن است که نهادهای مراکز و افراد مدافع ارزش های اسلامی مانند: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، حوزه های علمیه و ائمه جمعه و جماعات می توانند با تشویق، حمایت مالی و پشتیبانی قانونی و حقوقی، تشکیل چنین سازمان هایی را سرعت بخشند و ضمن واگذاری امور به امت اسلامی، نقش هدایتی خود را ایفا کنند و سازمان های فرهنگی را از طریق قراردادن در معرض نقد مردمی در خدمت اسلام درآورند. حمایت از اساتید حوزه های علمیه، اساتید متدین، نخبه و مجرب دانشگاه ها، نیروهای متدین جامعه مثل: بسیجیان، دانشجویان، هیئت های مذهبی، ائمه جماعات محل و هنرمندان متعهد می تواند نیروهای با انگیزه ای را برای تشکیل تدریجی چنین سازمان هایی فراهم سازد و راه اصلاحات واقعی مذهبی در بخش های مختلف از جمله سینما و رسانه ملی را هموار نماید.

به راستی در مملکتی که برخی سازمان های غیر دولتی که در موارد فراوان، وابستگی آنها به نظام سلطه بین المللی روشن است، از مالیات ملت مسلمان هزینه های میلیاردها را به خود اختصاص می دهند، چرا نهادهای مدنی و دینی برای تثبیت ارزش های نظام اسلامی و خنثی سازی فعالیت های ضدّ دینی سازمان های غیر دولتی که اخبار تأثیر گذاری آنها در سینما و رسانه ملی بارها گوشزد شده است، ایجاد نمی شود؟!